



ابوذر عمرانی
دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

هژمونی لیبرال و پاندومی کرونا؛ تعهد و مسئولیت آمریکا در قبال نظام جهانی

بین الملل می پردازد. در این میان، هرگاه که هژمون، تأمین منافع خود را مقدم بر مصالح سیستم بداند یا به دنبال استثمار وضعیت و قواعد موجود باشد، از حالت هژمونیک خارج شده و مشروعیت هژمونیک را از دست می دهد.

تعهد و مسئولیت هژمون لیبرال

در چارچوب پارادایم لیبرالیستی، توانایی و قدرت دولت هژمون در تهیه و ارائه کالای عمومی بین المللی، از عوامل شناخت قدرت هژمونیک است که این امر، به منظور ثبات و نظم سیستم بین المللی صورت می گیرد. ایجاد، تقویت، تأمین هزینه ها و گسترش این کالاهای عمومی بین المللی، عوامل و ارکان اصلی ایجاد، تثبیت و تقویت نظم هژمونیک بین المللی لیبرال هستند^۱. در واقع، هژمون منابع خود را صرف ایجاد ثبات در سیستم بین المللی می کند.

بر اساس تئوری لیبرالیسم، نظام بین الملل پس از جنگ جهانی دوم، تحت مدیریت هژمونی لیبرال یعنی آمریکا، قرار گرفته است. از آن پس، لیبرال ها با استفاده از نظریه ثبات هژمونیک، معتقدند آمریکا با استفاده از توانمندی های مختلف خود، قواعد تعامل میان بازیگران نظام بین الملل را تعریف و اجرا کرده است. یکی از پایه های اساسی هژمونی لیبرال، تأکید بر اصل چندجانبه گرایی است که بر همکاری بین المللی و مدیریت امور بین المللی از طریق نهادهای چندجانبه تأکید دارد. همچنین، باید به پایه ای اساسی شامل گروهی از مدافعان لیبرالیسم به رهبری هژمون اشاره کرد که با اهداف مشترک و تعهد مشترک برای حفظ ارزش ها، هنجارها، اصول و نهادها با یکدیگر همکاری می کنند. به ادعای لیبرال ها، هژمونی لیبرال با استفاده از کالاهای عمومی، تشویق و تنبیه بازیگران به مدیریت نظام

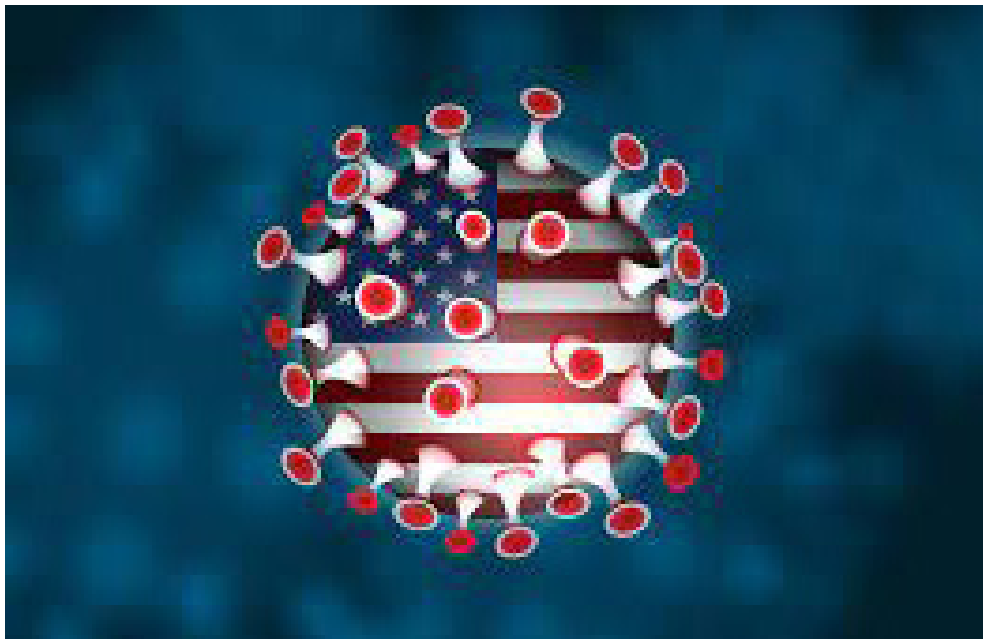
حال، باید اقدامات ایالات متحده در هنگامه گسترش ویروس کرونا را مطابق با نظریه هژمونی لیبرال، مورد بررسی قرار دهیم؛ ایالات متحده در ابتدا به انجام اقداماتی در راستای وظایف و تعهدات هژمونی لیبرال در راستای کمک به سایر کشورها روی آورد. این کمک‌ها در زمانی صورت گرفت که خود ایالات متحده آمریکا، هنوز به صورت جدی درگیر مبارزه با همه‌گیری ویروس کرونا نشده بود اما بعد از اینکه آمار مبتلایان در آمریکا، سرعت گرفت و بیشتر شد، دولت ترامپ سعی کرد تا مانند سایر کشورها با بستن مرزهای خود و بازگشت به نوعی خودیاری و ناسیونالیسم، با این ویروس مبارزه کند و تا حدود زیادی از نقش جهانی خود غافل شود.

در این میان، شواهد بسیاری از ظهور ناسیونالیسم در دولت و ملت آمریکا وجود دارد. در همان روزهای ابتدایی، رئیس‌جمهور آمریکا - که پیش از این بحران نیز تمایلات ملی‌گرایانه، نژادپرستانه

و به اصطلاح، دست راستی خود را نشان داده بود- به دنبال خرید نقدی حقوق انحصاری واکسن برای ایالات متحده آمریکا از یک شرکت آلمانی برآمد. این ملی‌گرایی افسارگسیخته، به دزدیدن ماسک در آسمان نیز رسید و دولت، تلاش کرد با هر روش و ابزاری، نیازهای اصلی شهروندان خود در حوزه بهداشت و درمان، تأمین خدمات ضروری اجتماع و تأمین کالاهای اساسی را به سرانجام برساند. همچنین، ایالات متحده طبق قانون تولیدات دفاعی، تجهیزات بهداشتی را که توسط سرمایه‌گذاران خارجی تولید شده بود، به نفع دولت توقیف کرد و برخی از شرکت‌ها را به تولید ماسک و تجهیزات تنفسی موظف نمود. ترامپ، ورود بیگانگان را - که ظاهراً برای حمایت از کارگران آمریکایی، خطری در بازار کار ایالات متحده دارند- به حالت تعلیق درآورد. همچنین، دولت ترامپ در طول بحران کرونا، از اساس و به کلی سیستم پناهندگی

در مرز مکزیک را برچید. در این مقطع، دولت ترامپ در حال تلاش برای محدودیت‌های بیشتر مهاجرتی بود^۲. با توجه به اینکه ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون لیبرال، هدایت جهان غرب و بازار آزاد و به طور کلی کاپیتالیسم را بر عهده دارد، ناسیونالیسم و بی‌توجهی به وظایف هژمونی، مانند فراهم کردن کالاهای عمومی، می‌تواند ضربه اساسی و نهایی را به روند جهانی شدن و گسترش اصول و ارزش‌های لیبرالیسم فراهم آورد.

در بحران‌های جهانی قبلی مانند بحران مالی سال ۲۰۰۸ و همه‌گیری ابولا در سال ۲۰۱۴، ایالات متحده آمریکا نقش رهبر و مدیر جهانی را بر عهده گرفت؛ اما دولت فعلی ایالات متحده، از نقش رهبری کناره‌گیری کرده است. ترامپ بسیار واضح بیان کرد که بیش از آینده بشریت، به عظمت آمریکا اهمیت می‌دهد^۳؛ بنابراین، بحث عدم تمایل هژمون برای اداره امور بین‌الملل به وسیله اندیشمندان مطرح شد. این مسئله به میان آمد



که هژمون باید علاوه بر توانایی، اراده این کار را نیز داشته باشد. در بیشتر موارد، عدم اراده، غالباً از اقدام هژمون جلوگیری می‌کند. ایالات متحده که درگیر مشکلات خود است، به وضوح تمایل رهبری برای مهار ویروس کرونا را ندارد. همان طور که نیویورک تایمز نیز اشاره کرد: «این امر، شاید اولین بحران جهانی در بیش از یک قرن است که هیچ‌کس حتی به دنبال رهبری ایالات متحده نیست»^۴. به هر حال کاهش توان یا عدم اراده در دوره ریاست جمهوری ترامپ، با عدم پذیرش بسیاری

از تعهدات بین‌المللی این کشور همراه شد، به گونه‌ای که ترامپ از بسیاری از تعهداتی که قبلاً آن‌ها را امضا کرده بود، روی گرداند و به نوعی ناسیونالیسم روی آورد.

همکاری‌های استراتژیک برای غلبه بر بحران

به عقیده لیبرال‌ها، یکی از مشخصات هژمونی لیبرال، این است که برای غلبه بر بحران‌ها و مشکلات بین‌المللی با سایر قدرت‌های بزرگ همکاری می‌کند، اما مسئله‌ای که در همه‌گیری ویروس کرونا مشهود

بوده، این است که قدرت‌های بزرگ با یکدیگر همکاری نمی‌کنند؛ واگرایی روابط آمریکا و چین با شیوع جهانی کووید-۱۹ و اتهام زنی و جنگ لفظی طرفین به یکدیگر در خصوص منشأ این بیماری، رقابت ژئوپلیتیک دو کشور را آشکار و وارد مرحله جدیدی کرد. دولت ترامپ، کووید ۱۹ را ویروسی چینی نامید و چین نیز در اقدامی تلافی جویانه، اعلام داشت که نخستین بار، ارتش آمریکا ویروس کرونا را وارد شهرووهان چین کرده است. نامیدن ویروس چینی

بر مبنای اصل رئالیستی احاله مسئولیت و براین اساس است که در هزینه‌ها صرفه جویی شود و دیگران، مقصر جلوه داده شوند.^۵ مشخص است که کرونا رقابت میان قدرت‌های بزرگ، از جمله رهبر جهانی در حال عقب نشینی (ایالات متحده)، ائتلاف در حال تضعیف (اتحادیه اروپا) و رقیب در حال قدرت گرفتن (چین) را شدت بخشیده است. در طی همه‌گیری، هژمونی لیبرال رو به افول گذاشته و فضایی را برای رقیبان مانند چین، فراهم می‌کند تا از تقسیم داخلی و چندپارگی در غرب بهره‌برداری کنند و نفوذ خود را در سطح جهانی با بهره‌برداری از بحران کرونا گسترش دهند.^۶ مسئله این است که چرا علی‌رغم ادعای لیبرال‌ها، وابستگی متقابل به طور خودکار همکاری ایجاد نمی‌کند؟

چندجانبه‌گرایی بر اساس نهادهای بین‌المللی

هژمونی لیبرال بر اساس اصل چندجانبه‌گرایی، باید با کمک

نهادهای بین‌المللی به مدیریت این بحران، اقدام کند اما در عمل، مسائل دیگری رخ داده است. از جمله نهادهای اصلی در این میانه، سازمان بهداشت جهانی و شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند؛ سازمان بهداشت جهانی که نقش اصلی را به عنوان یک نهاد بین‌المللی در زمینه بهداشت جهانی دارد، به شدت در این برهه، تحت فشارهای سیاسی ناشی از هجمه‌های ایالات متحده قرار گرفته است. ترامپ، این سازمان را به مخفی‌کاری و همراهی با پنهان‌کاری‌های چین در مورد اعلام دیر هنگام شیوع ویروس متهم کرد. ترامپ به جای تقویت سازمان بهداشت جهانی برای مقابله بهتر با بحران، بودجه این نهاد را قطع کرد و در نهایت، از آن خارج شد. همچنین، شورای امنیت سازمان ملل به جای اقدام قاطع در همان ابتدا، به دلیل رقابت میان قدرت‌های بزرگ تا مدتی منفعل ماند.

اختلاف شدید میان چین و آمریکا در مورد منشأ ویروس، سبب شد

تا از درج آن در دستور کار شورای امنیت خودداری کنند. آمریکا در پی تنظیم قطعنامه‌ای بود که در آن، به صراحت منشأ ویروس کرونا درج گردد که این اختلاف، به شدت تصمیم‌گیری در شورا را با مشکل روبه‌رو ساخت. در نهایت و بعد از گذشت بیش از سه ماه از زمان اعلام کووید ۱۹ به عنوان بیماری همه‌گیر جهانی توسط سازمان بهداشت جهانی، با تصویب قطعنامه ۲۵۳۲ در اول ژوئیه ۲۰۲۰، همه‌گیری کرونا به عنوان خطر تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی اعلام شد.^۷ مشخص است در جایی که ترامپ، به صورت مستقیم عضو دیگر شورا را به عنوان عامل گسترش و شیوع ویروس کرونا می‌داند و حتی ویروس کرونا را ویروس چینی می‌نامد، نمی‌توان انتظاری از شورای امنیت داشت.

اهداف و تعهد مشترک مدافعان لیبرال

مهم‌ترین مدافعان ایدئولوژی و هژمونی لیبرال در هنگامه

همه‌گیری ویروس کرونا، مشغول منافع ملی، خودیاری، ناسیونالیسم و فراموش کردن اصول لیبرالیسم بودند؛ بستن مرزها، ممنوعیت سفر و ورود، حمایت مالی داخلی، تضعیف همکاری‌های بین‌المللی و حمایت از داروسازی ملی، در همه جا وجود دارد. حتی در تنها سازمان فوق ملی جهان، اتحادیه اروپا، شاهدیم که چگونه کشورهای عضو به آسانی اصول مقدس را «چهار آزادی حرکت (کالا، سرمایه، خدمات و مردم)» نقض می‌کنند.^۸ کشورهای ایتالیا و اسپانیا که در ابتدای همه‌گیری با گسترش شدید ویروس مواجه شدند، از شرکای اروپایی درخواست کمک نمودند اما در مقابل، با بستن مرزها و احتکار لوازم بهداشتی و پزشکی مواجه شدند. بسیاری از کشورهای اروپایی، بیمارستان‌ها و کلینیک‌های خصوصی را ملی نموده، مدیریت خدمات بهداشتی خصوصی را به دست گرفته و تجهیزات پزشکی را به نفع دولت توقیف کردند. قدرت نرم اتحادیه

اروپا در زمینه کرونا ویروس با شکست مواجه شد، زیرا کشورهای کمک‌کننده به ایتالیا و اسپانیا، روسیه و چین بودند نه اتحادیه اروپا یا هم‌مون لیبرال.^۹ آمریکا نیز با شیوع کرونا، حتی نزدیک‌ترین متحدان خود را رها کرد. آمریکا وقتی همه سفرها را از طریق اتحادیه اروپا ممنوع کرد، حتی زحمت آن را نداد که به آن‌ها به‌عنوان یک اخطار قبلی اطلاع دهد، چه رسد به اینکه در مورد این اقدام شدید، با آن‌ها مشورت کند. آمریکا حتی با متحدان خود برای تولید واکسن، همکاری نکرد بلکه سعی در «ملی‌گرایی واکسن» داشت. آمریکا با پیشنهاد یک میلیاردی به کیورواک (یک شرکت آلمانی که در حال توسعه یک فناوری امیدوارکننده واکسن کرونا بود)، سعی داشت این شرکت را فریب دهد تا بخش تحقیق و توسعه خود را به ایالات متحده بدهد و تضمین دسترسی انحصاری آمریکا به محصولات این شرکت

را فراهم آورد. به همین ترتیب، رئیس‌جمهور آمریکا تلاش کرد تا مانع فروش ماسک به کانادا توسط یک شرکت مستقر در آمریکا شود، اگرچه بعداً مصالحه‌ای حاصل شد. به‌طور کلی کشورهای لیبرال در اروپا و آمریکای شمالی، درگیر جنگی بر سر تقسیم منابع مانند ماسک، تجهیزات حفاظتی و ونتیلاتورها بوده و اقدامات اندکی برای اقدامات جمعی انجام داده‌اند. این مسئله حتی به دزدیدن ماسک‌های ارسالی به آلمان و فرانسه توسط ایالات متحده آمریکا و مشهور به «جنگ ماسک‌ها» منجر شد (۱۰). همه این موارد، گویای این واقعیت است که هم‌مونی لیبرال که بنا بر ادعای لیبرال‌ها، باید با استفاده از کالاهای عمومی به تأمین منافع عمومی و مدیریت سیستم پردازد، در هنگامه همه‌گیری ویروس کرونا به دلایل عدم توان یا عدم تمایل، حاضر به ایفای نقش نشده و حتی با متحدان اصلی خود، برای عبور از مشکلات و

هزینه‌های گسترش ویروس، به جای همکاری وارد رقابت شده است. تأکید بر منافع شخصی و استثمار دیگران، بیانگر خارج شدن از حالت هژمونیک است؛ بنابراین، بسیاری از اندیشمندان، به ویژه رئالیست‌ها، معتقدند تأثیر کرونا در سطح بین‌المللی، تغییر الگوهای دوستی و دشمنی است، به گونه‌ای که الگوهای تعامل میان بازیگران بین‌المللی، دچار

دگرگونی خواهد شد. بر این مبنا، از یک سو تعامل مثبت مبنی بر همکاری بین بعضی از قدرت‌های شرقی مانند ایران، چین و روسیه، افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، بحران کرونا موجب تشدید رقابت میان آمریکا و چین می‌شود. همچنین، بحران کرونا می‌تواند موجب تسریع روند عبور از جهانی شدن آمریکایی شود. در این راستا، در آینده پرسش‌های زیادی در مورد

قدرت مقابله آمریکا با چالش‌های جدید مطرح می‌شود؛ زیرا این کشور از مقابله با بحران کرونا ناتوان بود. همچنین، الگوی همکاری میان آمریکا و اروپا تضعیف شده است که به موجب آن، الگوی رقابت بین این دو، تقویت خواهد شد؛ بنابراین، شاهد کاهش نقش غرب و هژمونی لیبرال در روند تحولات بین‌المللی و آینده نظام جهانی خواهیم بود.



فهرست منابع

حقوق و کرونا، دوره ۲۳، ص: ۱۸۱

8-Kliem, Frederick (2020), "Opinion Realism and the Coronavirus Crisis", 11 April 2020, Available at: <https://www.e-ir.info/2020/04/11>, p: 1.

۹- جان پرور، محسن، صالح آبادی، ریحانه، بهرامی، ساجد (۱۳۹۹)، «تأثیرات ژئوپلیتیکی شیوع کرونا»، پژوهش های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، ص: ۳۰۹.

10- Basrur, Rajesh & Kliem, Frederick (2020), "Covid 19 and International Cooperation: IR Paradigms at Odds", SN Social Sciences, Vol. 1, No. 7, P:3.

Relations Tells Us About COVID-19", E-International Relations, 26 April 2020, Available At: <https://Www.E-Ir.Info/2020/04/26>, p:2.

5-Fareedi, Gazala (2020), "Opinion Challenges to the Realist Perspective Duringthe Coronavirus Pandemic", E-International Relations, 6 May 2020, Available at: <https://www.e-ir.info/pdf>, p:2.

6- Huang, Qingming (2020), "The Pandemic and the Transformation of LiberalInternational Order", Journal of Chinese Political Science, Vol. 26. P:3.

۷- رضانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۹)، «بیماری همه گیر کرونا و صلح و امنیت بین المللی»، تحقیقات حقوقی، ویژه نامه

۱- پورا احمدی، حسین (۱۳۸۷)، «اقتصاد سیاسی هژمونی چند جانبه گرا: سنتز مفهوم هژمونی در پارادایم های لیبرالیستی و گرامشین»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲، ص: ۴۳.

2 - Cherry -Smith , Benjamin, (2020), "Opinion Nationalism and Trump's Response to Covid-19", 3 April 2020, E-International Relation, Available at: <https://www.e-ir.info/2020/04/03>, p:5.

3 - Harari, Noah, Yuval (2020), "The World after Coronavirus, Financial Times", 20 March 2020, Available at: <https://www.ft.com/content>, p: 7.

4- Busby, Joshua (2020), "What International